

ربخانه‌ی ملکوت

—*—

آیه‌الله حاج شیخ محمود حلبی قدس سره

ناشر

نشر حمزه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی

سازمان چاپ و انتشارات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

چاپ اول

پاییز ۱۳۸۴

شمارگان

۵۰۰۰ نسخه

شابک

۹۶۴ - ۹۵۰۸۱ - ۶ - ۳

BP۲۷/۲/ح۷۵۵/۹

۲۹۷/۹۷۳

کتابخانه‌ی ملی ایران

۸۴ - ۹۹۷۸ م

—*—

قیمت: دوهزار تومان

غریب و خسته به درکاهت آدم رحی
که جز ولای تو ام نیست بیچ دستاویز

رحیم نیرنگ

استاد آیه الله حاج شیخ محمود حلبی

فهرست

سخن ناشر ۷. ✓ مقدمه ۹

گفتار اول؛ خلقت نورانی بدن حضرت فاطمه سلام الله عليها ۱۵ - ۴۰
نکاتی درباره‌ی روح و بدن چهارده معصوم عليهم السلام ۱۸. ✓ معنای "وَأَجْسَادُكُمْ
فِي الْأَجْسَادِ وَأَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ" ۲۰. ✓ معنای روح در بدن ۲۰. ✓ انعقاد
نطفه‌ی امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام ۲۳. ✓ عظمت ماده‌ی اولیه‌ی بدن حضرت
فاطمه سلام الله عليها ۲۴. ✓ انعقاد نطفه‌ی حضرت زهرا سلام الله عليها ۲۷. ✓ محبت و
علاقه‌ی قوی فاطمه‌ی بنت اسد به پیامبر صلی الله علیه وآله ۲۸. ✓ باطن شب قدر و صلاة
وسطی ۳۱. ✓ ختم سخن ۳۳.

گفتار دوم؛ حضرت فاطمه سلام الله عليها آیت عظمای الاهی ۴۱ - ۶۰
قرآن ظاهر و باطن دارد ۴۳. ✓ رمز بواطن قرآن ۴۵. ✓ ثلث آخر شب ۴۶. ✓ قسم
مؤکد خداوند ۴۹. ✓ توصیف خداوند ۵۰. ✓ ختم سخن ۵۶.

گفتار سوم؛ دریا دریا دریا؛ فاطمه‌ی زهرا سلام الله عليها ۶۱ - ۸۱
زنان با فضیلتی که خدا از آنان یاد نمود ۶۴. ✓ استقامت در راه خدا ۶۷. ✓ معنای
"مَرْجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ" ۶۹. ✓ همسری و کفایت دو بحر ۷۲. ✓ عصمت کبری و
قدسیّت عظمای فاطمه سلام الله عليها ۷۳. ✓ استثنای قانون الاهی ۷۶. ✓ ختم سخن ۷۷.

گفتار چهارم: معرفت فاطمه سلام‌الله علیها ۸۳ - ۱۰۵
تجلی نور فاطمه سلام‌الله علیها بر ملکوتیان ۸۷. ✓ جایگاه معرفت فاطمه سلام‌الله علیها ۸۸.
ملائک و ملکوتیان خدمتگزاران فاطمه سلام‌الله علیها ۹۰. ✓ زنان بهشتی خدمتگزار
فاطمه سلام‌الله علیها ۹۱. ✓ دستگاه پیامبر و علی علیهما السلام در قیامت ۹۲. ✓ دستگاه
مستقل فاطمه سلام‌الله علیها در قیامت ۹۳. ✓ شدت نور فاطمه سلام‌الله علیها ۹۴. ✓ سبب
احترام به سادات و اهمیت آن ۹۷. ✓ سلمان افتخار ایرانیان ۹۸. ✓ ختم سخن ۱۰۰.

گفتار پنجم: آیه‌ی نور و حضرت زهرا سلام‌الله علیها ۱۰۷ - ۱۳۲
مثل نور آسمان‌ها و زمین ۱۱۰. ✓ حضرت زهرا سلام‌الله علیها مثل اعلاّی خداوند ۱۱۱.
حضرت فاطمه سلام‌الله علیها حافظ نور ائمه علیهم السلام ۱۱۳. ✓ فاطمه سلام‌الله علیها
ابوالائمّه ۱۱۶. ✓ منافع علم ائمه علیهم السلام ۱۱۷. ✓ صحیفه‌ی فاطمه سلام‌الله علیها ۱۲۱.
دستگاه علمی مستقل فاطمه زهرا سلام‌الله علیها ۱۲۲. ✓ ختم سخن ۱۲۶.

گفتار ششم: خلقت شگفت ام اییها ۱۳۳ - ۱۶۳
حقیقت صلاّه و سبطی (نماز مغرب) ۱۵۱. ✓ حمل نور ۱۵۳. ✓ تکلم حضرت زهرا
سلام‌الله علیها در رحم مادر ۱۵۳. ✓ گسترش نسل پیغمبر صلی‌الله علیه وآله از فاطمه
زهرا سلام‌الله علیها ۱۵۵. ✓ ختم سخن ۱۵۹.

گفتار هفتم: لوح حضرت فاطمه سلام‌الله علیها ۱۶۵ - ۱۸۶
جانشینی پیامبر صلی‌الله علیه وآله، منصبی الهی است ۱۶۸. ✓ مقام حضرت فاطمه سلام‌الله
علیها در قرآن ۱۶۸. ✓ تولّد امام حسین علیه‌السلام و تحفه‌ی الهی ۱۷۰. ✓ یک خاطره
۱۷۲. ✓ شناسایی راویان حدیث ۱۷۳. ✓ انطباق حدیث جابر با علم امامت ۱۷۵.
عباراتی از حدیث لوح ۱۷۶. ✓ تعیین اوصیای پیامبر صلی‌الله علیه وآله، از سوی خدا
۱۷۷. ✓ دوازدهمین وصی؛ رحمة للعالمین است ۱۸۰. ✓ ختم سخن ۱۸۱.

گفتار هشتم: خاتون دوران و بانوی عالمیان ۱۸۷ - ۲۱۱
بهاران و یاد قیامت ۱۹۰. ✓ بهاران و تزکیه‌ی روح ۱۹۱. ✓ روزه اندوه ۱۹۲.
فضائل بانوی دو عالم ۱۹۲. ✓ مصحف فاطمه سلام‌الله علیها ۱۹۳. ✓ عبادت
حضرت زهرا سلام‌الله علیها ۱۹۴. ✓ کوثر محمدی صلی‌الله علیه وآله ۱۹۵. ✓ فاطمه
سلام‌الله علیها و خانه‌داری ۱۹۶. ✓ فاطمه سلام‌الله علیها و همسر داری ۱۹۷. ✓ اتفاق
فاطمه سلام‌الله علیها ۲۰۰.

▼ سخن ناشر

خمیده راه می‌رفت. در عنفوان جوانی و نشاط زندگانی، از پا افتاده بود. یک گل بهشتی در میان بیابانی از خار و خس، یک بهشتِ صداقت و پاکی و خداجویی، محصور در برهوتی خشک و لم یزرع، با دلی شکسته، اندوهی پیوسته و پهلویی در هم شکسته، خاموش و رازدار، سر مستودع الهی در کائنات، چنان سروری خمیده با جویباری از اشک و آتشفشانی از آه‌های خانمان‌سوز، با درد و داغی در سینه، و جنین مقدس سقط شده.

درها و دیوارهای عالم، همه و همه رازدار آن زنبق کبود، محرم آن درد جان‌سوز، و درختان عالم همه شیدای آن بلند بالا که عظمت وجودش، کروییان را به تواضع باز می‌داشت.

رودی زلال و جاری و پاک، از سرچشمه لم یزلی، روان به سوی ابدیت، گسترده به وسعت همه‌ی آفرینش، ژرف چنان عمق عقل و بی‌کرانگی اندیشه، وسیع چون صحنه‌ی خیال، بی‌ساحل و مرز، در بستر هستی، رو به سوی خدا، با عطر توحید در جان و شمیم ملکوت در چادری وصله‌دار، خرامان چون رامش رسول الله، پوشیده چون شب، در خلوت بندگی و نیایش معبود، در جایگاهی که در به روی امین وحی بسته بود و هیچ فرشته‌ی مقربّی شایسته‌ی فهم آن تنهایی ازلی و تجلّی سرمدی نبود.

اینک، تمامی درّهای عالم، نوحه‌سرای تنهایی و اندوه و درد او، و هر گل‌میخ در نشانه‌ای از روایت یک زخم از آن شهیده‌ی محبوب، و هر جان مضطرب آن حق غصب شده و حرمت پایمال گردیده، انگشتر سلیمانی بازیچه‌ی دست اهریمنان، یک درخت زخم‌دار، تنها ایستاده بر کرانه‌ی دشت، و سرتاسر آن خطّه‌ی لبالب از عفونتِ مردارِ خودباختگان، یک فریاد بر پژواک در سکوت سنگستان آن قبرستان خموش، خورشیدی زخم‌دار مثل یک پاره قلب خونین، در شبی به هنگام تاریک‌ترین لحظات آن.

جنگل همواره سبزخزان زده، راهی فراموش شده، مثل غربت بیابان‌های تنهایی، غریب در وطن، مغموم چون درّه‌های در مه خفته، محزون چون برگ‌ی که بر آب می‌رود، با نجوایی در خود، چونان رودی که در مغاک شن‌های تشنه و بی‌حاصل کویری گرفتار آمده باشد. تنها تر از تنهایی، دل به خدا بسته و از زمین گسسته.

پرندۀ مغموم چمن‌زارهای زمردین ایمان، سحوری خوان شهر فراموشان، ستاره‌ی پرفروغ و تنهای آسمان مظلومیت و حزن، سرو خمیده‌ی باغستان احمدی، روح بین دو پهلوی، پهلوی شکسته‌ی رسول الهی، عصمت آفرینش و چشم و چراغ اهل بینش، سرّ ازلّی و امانت سرمدی، محبوب آسمانیان و قبله‌گاه ایمانیان، جان جهان و جهان جان، عزلت‌گزین عرش‌پرواز و خاک‌نشین سرافراز، نغمه‌سرای بوستان‌های توحید، ریشه و اصل شجره‌ی سیادت، جبل‌المتین دوده‌ی ختمی مرتبت، "ریحانه‌ی ملکوت".

از جمله بسترهای تاثیرگذار در عرصه‌ی گسترش تعلیم و تربیت دینی، بهره‌گیری از اریکه منبر به عنوان ابزاری مهم و کارساز در زمینه‌ی تبلیغ دین بوده که از دیر باز و با الهام از روش پیشوایان گرانقدر دین، شیوه‌ی عالمان بزرگوار ما گردیده است.

این عرصه کاملاً از عرصه‌ی دیگری که عالمان به آن می‌پرداخته‌اند یعنی اشتغال به درس و بحث‌های تخصصی در محیط‌های محدود آموزش با مخاطبان خاص، متمایز بوده و ویژگی‌های خود را داشته است. الزامات بحث‌های مدرسه‌ای و حوزه‌های درسی از جمله یک نواختی در سطح آگاهی حاضران، تدریس گام به گام مسائل آموزشی بر اساس طرح درس‌ها، پرهیز از خطابه و لحن خطابی، پرداختن به مباحثه و تبادل نظر و نظام سؤال و پاسخ و بنا به معروف روش "ان قلت و لا یقال" و عناصری از این ردیف، این عرصه را از منبر جدا نموده است.

حضور خودجوش طبقات مختلف مردم در پای منابر و اشتیاق وافر که در هم‌هی زمان‌ها به ویژه مناسبت‌ها از خود نشان می‌دادند، عالمان دینی را بر انگیزت تا با استفاده از این امکان، اقشار گوناگون مردم را از سرشار تعالیم

اسلامی بهره‌مند ساخته و تعلیم و تربیت دینی را جاری سازند و از این طریق سهمی از زلال فرهنگ دینی را به ایشان عرضه نمایند.

اما این عرصه نیز مسائل تخصصی و فنی خود را طلب می‌کرد هم چون بهره‌گیری هم‌زمان عقل و احساس شنوندگان، تا هم مبانی فکری آنان را سامان دهد و هم شور و احساس و عاطفه‌شان را در مقولات دینی بیفزاید. عدم به کارگیری زبان تخصصی اصحاب مدرسه، مددجویی از تاریخ و سیره و موعظه، برهیز از تشنگی در طرح عناوین و مطالب، توجه به محدوده‌ی زمانی، رعایت نیازهای جاری، فردی و اجتماعی و خلاصه ده‌ها سرفصل مهم و اساسی دیگر که عدم رعایت آن‌ها موجب می‌شد بهره‌دهی منابع به نازل‌ترین سطح خود کشانیده شود و در نتیجه اهداف تربیتی عقیم بماند.

در آموزه‌های دینی ما آمده است که:

"مَنْ أَصْنَعِيَ إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَّدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَقَدْ عَبَّدَ اللَّهَ وَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنْ إِبْلِيسَ فَقَدْ عَبَّدَ إِبْلِيسَ" ۱

هر کس به سخن گوینده‌ای گوش فرا دهد، گویی او را پرستش نموده است. پس اگر آن سخنور از خدای عز و جل بگوید، شنونده خدا را پرستش کرده، و اگر سخنور پیام ابلیس را می‌پراکند، شنونده ابلیس را پرستیده است. این موضوع مسؤولیت هر دو گروه گوینده و شنونده، به ویژه دسته‌ی اول را بسیار سنگین و دشوار می‌نماید. بر این اساس گوینده باید در زمینه‌ی حصول اطمینان از صحت و استواری پایه‌های سخن خود، مایه بگذارد و شنونده نیز بایسته است در چگونگی دریافت‌های خویش و شناخت خطیبان برهیزگار، دقت لازم را معمول دارد.

گویندگانی که در منابع خود جهات معنوی و الزامات تربیتی و نشر رسالات الهی را رعایت می‌نموده‌اند از جمله مصادیق بارز این آیه‌ی قرآنی شده‌اند که: "الَّذِينَ يُلْقُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ

کفی بالله حسیاً^۱

آنان همواره یادآور شیوهی عالمان بزرگوار پیشین شده‌اند و خاطرات شیخ جعفر شوشتری‌ها، حاج آقا رضا همدانی‌ها، حاج مقدّس‌ها و... را ماندگار کرده‌اند. آنان با تبلیغ و ترویج و نشر آموزه‌های دینی و حقایق الهی برای قشرهای گوناگون جامعه، هم زمینه تربیت و تکمیل مبانی معرفتی مردم را فراهم می‌آوردند و هم آن خداترسی را که خود واجد بودند، به عنوان یک ارزش مهم دینی به شنوندگان منتقل می‌نمودند. بدیهی است که اگر همه‌ی خطیبانی که بر بلندای این سامان مقدّس تبلیغ اسلامی، تکیه می‌زنند بر چنین شیوه‌ای اهتمام ورزند، به مرور سطح آگاهی و تعهد پذیری قاطبه‌ی مردم فزونی یافته و فرهنگ عمومی جامعه، همراه با تعهد بر عمل به معالم دینی، به طور چشم‌گیری ارتقاء خواهد یافت.

از جمله‌ی آن عالمان ربّانی و مربّیان صمدانی و خطیبان مجاهد و سخنوران به یادماندنی و جاودانی، استاد بزرگوار ما، مرحوم میرور آیه‌الله، خادم الحجّه، حاج شیخ محمود حلبی رضوان الله تعالی علیه، بود. همو که به راستی از معدود خطبای گرانقدر قرن اخیر به شمار می‌رفت، و در منابر خود، اصول و شیوه‌های مثبت و الهی را، تا سر حدّ امکان، رعایت می‌کرد و با سبک خاصّ خود، علم و ایمان و مجاهده و عمل را منتشر می‌نمود.

منابر ایشان بی‌هیچ اغراق، عقل و عاطفه‌ی مخاطبان را به خوبی تغذیه می‌نمود. اهتمام ایشان به تربیت نسل جوان زیانزد خاصّ و عام بود. خطبه‌ی آغازین منبر ایشان در توجّه دادن مردم به وجود مقدّس امام عصر علیه‌السلام و ادای احترام خماسی و یک پارچه و دسته جمعی، با برخاستن و ایستادن روی به قبله و دست بر سر گذاردن به نشان اضطراب ناشی از دوران غیبت و بیانگ جاودانه‌ی صلوات حضار همراه با او، در حالی که بر منبر ایستاده و به آن ساحت قدسی عرض ادب می‌نمود، در طول بالغ بر چهل سال دوره‌ی

متمادی منابر ایشان، هرگز ترک نشد.

لحن حزین و آهنگین و در عین حال دلنشین وی، آن هنگام که با تکیه بر صوت سخن می‌گفت و یا اشعاری را می‌خواند، برخورداری از ادبیات ساده و لی استوار، صحیح و عالمانه که لازمه‌ی کار یک خطیب موفق است، کانون دادن به یک موضوع مشخص و شرح و بسط پیرامون آن، تکیه به مدارک و مستندات متقن و در عین حال پرهیز از تبدیل منبر به مجالس درس حوزوی و تخصصی که برای نوع شنوندگان نا‌مأنوس است، طرح مباحث دنباله‌دار در "ده" بلکه گاه "سی" مجلس در ماه‌های رمضان و ارائه‌ی اصولی‌ترین مباحث اعتقادی و عملی و ولایتی از دیگر ویژگی‌های منابر معظم له به شمار می‌رفت.

بدعت‌زدایی و درگیر شدن منطقی با انحرافات فکری جامعه با تسلط و دقت فوق‌العاده علمی، چهره ایشان را به عنوان عالمی مرزبان و مدافع حریم اعتقادات اسلامی ثبت نموده و پناهگاه راه جویان نموده بود. و سرانجام توسل شدید به ساحت قدس معصومین علیهم السلام به ویژه مقام ولایت سالار شهیدان امام حسین علیه السلام و دقت اکید در خواندن مقتل صحیح و دعا‌های ویژه و بالنسبه طولانی، از جمله ویژگی‌های منحصر به فرد منابر آن مرحوم به شمار می‌رفت. او خود همراه با مستمعین در عرض ادب به پیشگاه شهیدان نینوا، خالصانه بر فراز منبر می‌گریست که این گریستن‌های شدید، شور و حماسه‌ی مخاطبان را افزون‌تر می‌نمود. توجه جاری و همه‌جانبه‌ی ایشان در جای جای کلام به مقام ولایت امام عصر ارواحنا فداه در طول مدت سخن، منابر ایشان را کاملاً ممتاز و صاحب سبک می‌نمود که چه بسیار از اخلاف ایشان، این سبک و سیاق ویژه را طریقه‌ی عمل خود نموده و در توجه دادن مردم به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف الگوی خویش قرار دادند.

آن مرحوم با سابقه‌ی ممتد در حوزه‌ی علمیّه مشهود و اشتغال فراوان به بحث‌های متداول حوزوی، از اساتید به نام و والا مقام آن ایام، بهره فراوانی

بردند که از آن جمله‌اند:

۱- مرحوم میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری موسوم به ادیب اول در مقدمات و ادبیات ۲- مرحوم حاجی محقق، مرحوم میرزا محمد باقر مدرّس رضوی و مرحوم میرزا جعفر شهرستانی در سطوح متوسطه ۳- آیه‌الله مرحوم حاج شیخ محمد نهاوندی و مرحوم حاج میرزا احمد کفایی فرزند مرحوم آخوند خراسانی در سطوح عالیّه ۴- مرحوم فاضل خراسانی و مرحوم آقا بزرگ شهیدی در فلسفه و حکمت ۵- آیه‌الله العظمی مرحوم حاج آقا حسین قمی در خارج فقه ۶- آیه‌الله مرحوم حاج میرزا محمد آقازاده در خارج اصول ۷- آیه‌الله مرحوم حاج سید علی سیستانی - جدّ آیه‌الله العظمی سیستانی مرجع معاصر - در اخلاق ۸- مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی - نخودکی - در سیر و سلوک و ریاضات شرعیّه و سرانجام سرآمد آنان آیه‌الله العظمی مرحوم مبرور میرزا مهدی اصفهانی قدّس الله سرّه الزکیه در خارج اصول فقه و معارف و اعتقادات.

سرانجام با بهره‌مندی از چنین پشتوانه سنگین علمی، به خلاف بسیاری از همگان خویش، ورود به عرصه‌ی منبر را نه تنها برای خود سبک ندانست بلکه آن را به عنوان نیاز زمان و ضرورتی غیر قابل انکار در توسعه‌ی فرهنگ دینی، بس مهم و ضروری شمرد و برای آن به فراوانی مایه می‌گذاشت. یادداشت‌های مفصّل برجای مانده از آن بزرگوار، برای تدارک مطالب و مباحث منابر، از جمله مجموعه‌ی ارزنده "المجامیع و الجوامع" در سه جلد بزرگ، نشان از این مایه‌گذاری عمیق دارد.

در این راستا، در سال ۱۳۷۹ مجموعه‌ای با نام "آفاق انتظار" شامل سه سخنرانی در زمینه‌ی وجود مقدّس حضرت بقیّه‌الله الاعظم ارواحنا فداه به چاپ رسید و اینک دفتر حاضر، با نام "ریحانه‌ی ملکوت" انتشار می‌یابد. این مجموعه برگرفته‌ی هشت سخنرانی است از مجموعه منابر آن خطیب برجسته و عالم فرهیخته و عاشق دلسوخته و سالک از قید تعلّقات رسته و به عنایات خصاصّ مولایش پیوسته، پیرامون شخصیت والای بانوی گرانقدر

اسلام، دخت گرامی پیامبر اکرم، زهرای مرضیه، فاطمه‌ی زهرا، انسیه‌ی حورا، صدیقه‌ی کبری سلام الله علیها که در حدود چهار الی پنج دهی قبل ایراد گردیده و حاوی نکاتی است جالب و بدیع که شمه‌هایی از آن اعجاب بزرگانی هم چون آیه الله العظمی مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی را برانگیخته و به تحسین واداشته است که ذکر آن مجالی دیگر را می‌طلبد. دریغ بود که این مطالب عرشی در اختیار مشتاقان آن عالم ربّانی قرار نگیرد. امید است مطالعه‌ی این کتاب، موجبات افزایش معرفت و آگاهی خوانندگان را در مورد آن "بانوی بیکرانگی" فراهم آورد و مهر و محبتشان را نسبت به حضرتش بیفزاید که پیامبر گرانقدر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

فَإِذَا اشْتَقْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شِمِثْتُ رَائِحَةَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ^۱

آن هنگام که مشتاق بوی بهشت می‌شوم دخترم فاطمه را می‌بویم.

باشد که شمیم معرفت آن بانوی مینوی، بوی بهشت را برای عاشقان آن ریحانه‌ی ملکوت، به ارمغان آورده و موجبات ظهور فرزندش صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم آورد. ان شاء الله

رجای آن داریم که این مجموعه جوانان هدیه‌ای خرد به پیشگاه مقدس مولای گران قدرمان امام عصر ارواحنا فداه مقبول افتد که هرچه باشد سخن از مادر بزرگوار ایشان است. مادر همدی خوبی‌ها و فضیلت‌ها، مادر واقعی مؤمنان.

جمعی از شاگردان

والسلام